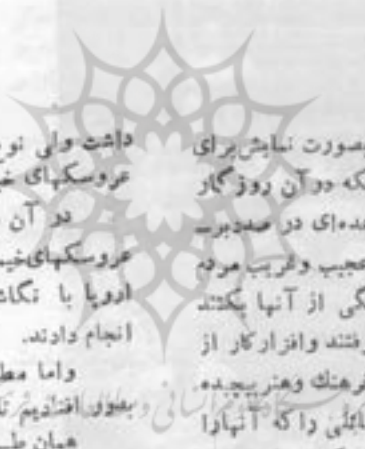


اشاره ای به پیدایش تئاتر

در انگلستان



نخستین باری که بشر موضوعی را بصورت نمایش برای مردم درآورد برای تنقید یا انتقاد نبود بلکه در آن روزگار چون سرگرمیهای زیادی وجود نداشت عده ای در صدد برآمدند که با حرکات و ادا های مضحك و عجیب و غریب مردم را سرگرم سازند و بدین وسیله رفع خستگی از آنها بکنند ولی بعدها مردم خواندن و نوشتن را فرگرفتند و افزار کار از صورت سنگی به آهنی تکامل یافت کم کم فرهنگ و هنر پیچیده شد و مقارن این احوال بود که بشر مسابلی را که آنها را مفاخر دانستیهای خود میدانست یادگ میبرد بیاد انتقاد میگرفت ولی از آن چایکه از ترس امر او حکام زمان نمیتوانست آنها را علنا و رسماً مورد انتقاد قرار دهد این بود که آنها را بصورت نمایشنامه در آورد و ضمن تفریح خاطر مقاصد خود را هم غیر مستقیم در گذارده و همانان نمایش بیان داشت. نمونه این انتقاد عالی را باید در فن خیمه شب بازی جستجو کرد زیرا (بعقیده مورخین مغرب زمین) یونانیها ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح خیمه شب بازی را اختراع کردند در آن زمان عروسکهای خیمه شب بازی آن ها عیناً مانند عروسکهای خیمه شب بازی فعلی اروپا بود با این تفاوت که لباسهای آنها از نظرفرم و رنگ آمیزی با عروسکهای فعلی خیمه شب بازان اروپا یا آسیا فرقی

داشت ولی نوع حرکات و طرز روی صحنه آسمن آنها با عروسکهای خیمه شب بازی مافرق فاحشی نداشت . در آن موقع یونانیها مقاصد انتقادی خود را از دهان عروسکهای خیمه شب بازی میگفتند و بعدها این کار را نویسندگان اروپا با نگاشتن نمایشنامه های کمدیک ، تراژدی ، دوام انجام دادند.

داما مطلبی که ما عنوان کردیم و از محیط تعریف آن بعنوان اقتضای تاریخچه تئاتر در انگلستان بود . همان طسور که قبلا گفته شد قبل از این که رومی ها به بریتانیای امروزی تسلط یابند مردم انگلیس تئاتر داشته اند اما این که نوع تئاتر و با نمایشنامه های آنها از چه قبیل بوده است ما کترین اطلاعی نداریم زیرا انگلستان هم مانند سایر کشورها در عرض این مدت دستخوش تحولات و انقلابات و حوادث بی شماری شده است و مضافاً اثر مهمونی در این خصوص بصورت تاریخ برای مای یادگار نمانده است . اما از آن جا که مداولت زنده حکایت میکنند بعد از آنکه رومیها خاک انگلستان را ترک کردند اولین مرتبه مردم انگلستان در کلیسا بعضی از قصص و حکایات مذهبی را بصورت تئزیه و شبیه خوانی ایرانی بشیوه «سبلیسم» تماشا میکردند . قصص که در آن زمان بصورت تئاتر در کلیساها نمایش داده میشده عبارت از قصه دهانیل قایل ،



صحنه‌ای از کلوب تئاتر - یکی از اولین تئاترهای انگلستان محل نمایش اعیان و ثروتمندان در بالکنهای اطراف تعبیه شده و مردم عادی بطوریکه ملاحظه می‌کنید مانند امروز در قسمت پایین می‌نشستند صحنه‌هایی که در روی صحنه می‌بند محل نشستن ثروتمندان و اعیان بوده در این عکس هائری پنجم یکی از پسرهای شکسپیر را مردم تماشا میکنند.

وقتی که دیدند مردم از تماشای این روایات و احادیث مذهبی خسته شده‌اند و در آمد خوبی هم مثل سابق ندارند در صدد بر آمدند که بعضی از حکایات مضحک و مسخره آمیز را بصورت تئاتر برای مردم بازی کنند و اتفاقاً دیدند که مردم هم تماشا می‌کنند و استقبال از آن‌ها بسیار خوب بود که از آن تاریخ تئاتر یا بهمان اصطلاح خودمان شبیه خوانی از خدمت مذهب و کلیسا خارج شد و قیافه واقعی و اصلی خودش را پیدا کرد. و از این تاریخ بعد بود که مخالفت کلیسا با تئاتر شروع شد و دیگر به آنها اجازه فعالیت در میدانهای شهر داده نشد در نتیجه این مخالفت متعدد با تئاتر در صدد بر آمدند محلی را برای نمایش بیسپای خود در نظر بگیرند و روی این اصل اولین تئاتر را در سال ۱۵۷۶ مسیحی در خارج از شهر لندن ساختند. زیرا کلیسا و مقامات روحانی آنروز ضمن اجازه ندادند در داخل شهر محلی برای تئاتر ساخته شود.

اولین تئاتر را در انگلستان روی بنام «جیمس بود بیچ» ساختند و در همین تئاتر بود که اولین نمایشنامه شکسپیر روی صحنه آمد. بعد از آن دیری نپایید که دیگران هم از او تقلید کردند و تئاترهای دیگری ساختند.

ناگفته نماند که در دوره شکسپیر کور بشکل امروزی وجود نداشت و مانند شبیه خوانی ایرانی بشو و سبلیسم (یک شاخه درخت نشانه چنگل یا باغ. یک فانوس نشانه ماماناب و با یک درخت معمولی نشانه کاخ سلطنتی) بود. در این دوره بود که با استفاده از کور و سبلیسم اشکال زمان و مکان از بین می‌رفت و نویسنده می‌توانست نمایشنامه خود را دردها تا بلوت تنظیم کند.

در آینده راجع به نمایشنامه «ماکبث اثر شکسپیر» و طرز روی صحنه آوردن آن گفتگو خواهیم کرد.

کشتی نوح، قصه حضرت ابراهیم، ماجرای آدم و حوا، مصائب حضرت عیسی، بوده و روی هم رفته و بگلی جنبه مذهبی داشته است و چون این نمایشات موبهدهت کلیسا و مذهب بود کشتیان و روحانیون با اجرای آنها مخالفت نمی‌کردند ولی بعداً وقتی که کشتیها دیدند که مردم مطالب مذهبی را بصورت شبیه خوانی بهتر می‌فهمند و دکان آنها تنگ می‌شود و روزهای بکشند مردم به حرفهای قهرمانان این قبیل قصص و افسانه‌ها بیشتر از وعظ آنها گوش میدهند این بود که کم کم آنها را از محیط کلیسا راندند. و اتوی دلیل آنها هم در طرد این عملیات این بود که شما میتوانید در خارج هم همین مطالب را نمایش دهید و لزومی ندارد کار ما را در کلیسا انجام دهید.

نمایش در عمارت

وقتی تریزه خوانها یا با اصطلاح دوست داران تئاتر هنر پیشگان آنروز از محیط کلیسا دور شدند شروع به نمایش همان قصص و حکایات در ملاعام نمودند با این تفاوت که وقتی در کلیسا بودند مردم محدودی تماشا می‌کردند و آن‌ها می‌آمدند ولی حالا هر جامی می‌خواستند شبه و سرگامه بر بامی کردند و شناسان مردم را با شیور و طبل و دهل دعوت تماشا می‌کردند. در آن زمان شکل صحنه تئاتر بصورت امروزی نبود بدین معنی که مردم در محوطه بازی بطور نیمه دایره می‌نشستند. و در وسط یک سن چوبی درست شده بود و در پشت آن یک اطاق چوبی قرار داشت. این سن و آن اطاق چوبی روی چهار چرخ آهنی سوار شده بود بطوریکه متصدیان تئاتر آنرا بر راحتی می‌توانستند مثل جمبه شهر فسنک از نقطه نقطه دیگر شهر انتقال دهند.

ابتدا همانطور که گفته شد بوسیله این دسته‌ها نمایشات مذهبی داده میشد و پول هم مانند تشنگ گردانی مار گیر ها جمع آوری میشد ولی بعداً چون عده‌ای گردن کلفت ولات میدان را از همه می‌گرفتند و مجانی می‌خواستند تئاتر تماشا کنند این بود که یک باروان و حتی گاهی یک پرده موقتی ضخیم دور افورسن و محل نشستن تماشاچیان می‌کشیدند و چند نفر هم بعنوان متصدی تعیین محل و مواظبت از چادرها تعیین میکردند.

مردم آنروز کار هم مثل امروز از کار خسته می‌شدند و می‌خواستند دقیقه‌ای چند مشکلات کار با مصائبی را که با آن در برده هستند فراموش کنند این بود که بدین این نمایشات علاقه نشان می‌دادند. مخصوصاً که بعد از آنکه شبیه خوانها از کلیسا بیرون آمدند چون آزادی عمل بیشتری پیدا کردند در طرز لباس و دکوراسیون خود بیشتر کوشیدند و این بود که در واقع برای مردم هم تفریح و هم وعظ بود و روی این اصل از آنها استقبال می‌کردند.

تخول در موضوعات

چند سال تریزه خوانها با بهارت دیگر شبیه خوانها مردم را با نمایش این قصص و افسانه‌های مذهبی سرگرم کردند و بعد